



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

شماره پانزدهم

مقاله: پژوهشی صفحات ۱۹۵-۲۲۰



انجمن ایرانی حقوق جزا

DOI:10.22124/oi.2020.14530.1778

امکان سنجی توسعه جرم انگاری اقدام علیه اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران

محسن قجاوند^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۷

چکیده

اسرار تجاری به هر گونه اطلاعات دارای ارزش اقتصادی یا رقابتی مستقل بالقوه یا بالفعل که برای عموم ناشناخته مانده و از طرق قانونی قابل دستیابی یا احراز نبوده و دارنده قانونی، تدابیر متعارفی را برای حفظ محرمانگی آنها ترتیب داده باشد، اطلاق می‌گردد. ارزش اقتصادی اسرار تجاری، قانون‌گذار را بر آن داشته است که به منظور حمایت از حقوق دارندگان اسرار تجاری، نسبت به جرم‌انگاری اقدامات علیه آن اقدام نماید. لیکن، حمایت کیفری مذکور، محدود به حوزه‌هایی همچون اسرار تجاری الکترونیکی و بازار اوراق بهادار بوده و از عمومیت لازم برخوردار نمی‌باشد. در نوشتار حاضر با تکیه بر روش تحلیل محتوا به این پرسش پاسخ داده شده است که آیا می‌توان با تلقی جرایم علیه اسرار تجاری به‌عنوان مصداقی از جرایم علیه اموال و مالکیت، جرایم سنتی همچون سرقت و خیانت در امانت را مطرح نموده و در حمایت از اسرار تجاری مورد استفاده قرار داد.

واژگان کلیدی: اسرار تجاری، حمایت کیفری، جرایم علیه اموال و مالکیت، ارزش اقتصادی، حقوق ایران.

✉ ghovandonlaw@gmail.com

۱. دانش آموخته دکتری رشته حقوق دانشگاه اصفهان

مقدمه

در عصر اطلاعات و فناوری کنونی، کمتر شخص متخصصی را می‌توان یافت که از اهمیت به سزای اسرار تجاری در توسعه تجاری و صنعتی غافل بوده و پی به ارزش زندگی فراوان و حیاتی آن نبرده باشد. اهمیت این موضوع تا آنجایی است که بسیاری از صاحب نظران ارزش آن را به سان ثروت دانسته و از این رو از آن در کنار مالکیت‌های فکری به «پول نوین»^۱ یاد می‌کنند. در تعریف اسرار تجاری جز در پاره‌ای جزئیات، اختلاف نظر چندانی میان حقوق دانان و متون قوانین کشورهای به چشم نمی‌خورد. بر این اساس، «هرگونه اطلاعات دارای ارزش اقتصادی یا رقابتی مستقل بالقوه یا بالفعل که برای عموم ناشناخته مانده و به سادگی و از طرق قانونی قابل دستیابی یا احراز نبوده و دارنده قانونی، تدابیر متعارفی را برای حفظ محرمانگی آنها ترتیب داده باشد» را می‌توان اسرار تجاری به شمار آورد (رهبری ۱۳۹۲: ۵۴). بنابراین اطلاعات دارای ویژگی‌های ارزش اقتصادی مستقل^۲، ناشناختگی^۳، عدم قابلیت دستیابی^۴ و محرمانگی تحت برقراری اقدامات حفاظتی متعارف^۵ را می‌توان به عنوان اسرار تجاری به شمار آورد. بدیهی است چنانچه اطلاعات مورد نظر در هر مورد فاقد یکی از ویژگی‌های یاد شده باشد راز تجاری به شمار نرفته و از شمول حمایت‌های قانونی خارج می‌گردد. تعریف مورد اشاره با اندک تغییراتی در اسناد بین‌المللی موجود پیرامون اسرار تجاری بیان گردیده است که می‌تواند نشانگر شناخت بایسته آن از سوی بسیاری از نظام‌های حقوقی باشد. برای نمونه می‌توان از «موافقت نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری» مشهور به «تریپس»^۶ یاد نمود که در بند ۲ ماده ۳۹ تعریف مشابهی را از اسرار تجاری با عنوان «اطلاعات افشاء نشده»^۷ بیان نموده است. فرهنگ حقوقی بلک نیز که بر پایه حقوق ایالات متحده آمریکا تدوین یافته، تعریف و مصادیق یکسانی را برای اسرار تجاری بیان داشته است (Garner, 2011: 769).

ضرورت حمایت از دارندگان اسرار تجاری در ابتدا منحصر به حمایت مدنی گردیده و نظام‌های حقوقی مختلف با استفاده از قواعد عمومی مسئولیت مدنی یا برقراری قواعد ویژه در این باره به استقبال ناقضان آن شتافتند. با وجود این، دیری نپایید که کاستی‌های حمایت منحصرمدنی از اسرار تجاری بر قانون‌گذاران هویدا گردید. غیر بازدارندگی و نامتناسب بودن ضمانت اجرای مدنی موجب گردید که حقوق کیفری با ویژگی مکمل و حمایتی خود در بسیاری از نظام‌های حقوقی

1. Modern/New Money.

2. Independent Economic Value

3. Not Being Known.

4. Not Being Ascertainable

5. Maintain of Secrecy under Reasonable Safeguard.

6. Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS) 1994.

7. Undisclosed Information.



پای در این عرصه گذارده و جرم‌انگاری نقض حقوق دارندگان اسرار تجاری به‌عنوان راهکاری بایسته جهت حمایت از صاحبان آنها مد نظر قرار گیرد. شایان ذکر است که دایره حمایت کیفری از اسرار تجاری و کیفیت قوانین ناظر بر آن در نظام‌های حقوقی مختلف به یک میزان نبوده و با بررسی تطبیقی قوانین کیفری موجود در هریک از آنها به سادگی می‌توان به تفاوتی قابل توجه پی برد. برای نمونه، در نظام حقوقی آمریکا، به موجب ماده ۱۸۳۲ قانون جاسوسی اقتصادی هر گونه تصاحب از طریق حیله و تقلب اسرار تجاری متعلق به غیر، نسخه‌برداری غیر مجاز، ارسال، مبادله، دریافت بدون عوض، خرید، نگهداری، تحریف و نابود سازی آنها واجد عنوان مجرمانه بوده و مرتکب به کیفر یک تا ده سال حبس و جزای نقدی تا پنج میلیون دلار محکوم می‌گردد (Fraumann, 2009: 303).

به موجب همان ماده، شروع به ارتکاب اقدامات مورد اشاره و یا تبانی اشخاص در ارتکاب آنها نیز کیفری برابر با کیفر جرم تام در پی خواهد داشت. از این‌رو، چنانکه برخی نویسندگان عنوان داشته‌اند، شدت عمل به کار گرفته شده از سوی قانون‌گذاران آمریکایی در این باره می‌تواند نمایانگر اهمیت فراوان اسرار تجاری و ارزش اقتصادی قابل توجه آنها در نظام حقوقی این کشور باشد (Wilson, 2004: 269). در مقابل این رویکرد می‌توان به نظام حقوقی انگلستان اشاره نمود که بر اساس آن، سوء استفاده از اسرار تجاری به دلیل عین نبودن اطلاعات و اسرار جرم محسوب نشده و حتی عنوان سنتی سرقت نیز قابل تطبیق بر آن نمی‌باشد (Bently & Brad, 2011: 976). خلاء و کاستی غیر قابل قبول مورد اشاره کمیسیون حقوقی مجلس عوام را بر آن داشت که در سال ۲۰۱۶ ضمن تدوین طرحی در این باره، پیشنهاد دهد که افشای غیر مجاز اسرار تجاری متعلق به غیر و استفاده غیر مجاز از آنها به‌عنوان جرمی مستقل مد نظر قرار گرفته و خلاء موجود در این باره مرتفع گردد، طرحی که تاکنون به نتیجه محسوس نرسیده است (Dennis, 2019: 65). نظام حقوقی ایران نیز از این جریان برکنار نمانده و با نمایان شدن ضرورت حمایت کیفری از دارندگان اسرار تجاری پای در عرصه جرم‌انگاری اقدامات ارتكابی علیه اسرار تجاری نهاده است. با این وجود، اقدامات قانونی صورت گرفته از چنان پراکندگی و کاستی‌هایی برخوردار است که تحلیل آنها جز با در نظر گرفتن اصول و قواعد کلی حاکم بر جرایم علیه اموال و مالکیت در حقوق ایران ممکن نخواهد بود. از این‌رو، لازم است که در تحلیل جرایم علیه اسرار تجاری از قلمرو تحلیل نظری آن فراتر رفته و علاوه بر تحلیل مقررات خاص موجود در این باره همچون «قانون تجارت الکترونیکی» و «قانون بورس اوراق بهادار»، قابلیت تطبیق جرایم کلی همچون سرقت و خیانت در امانت را در رابطه با نقض اسرار تجاری مورد تحلیل کاربردی قرار داد. واقعیت آن است که همزمان با افزایش ارزش اسرار تجاری در کشورمان با ساختار اقتصادی و اجتماعی در حال توسعه و رواج

بیش از پیش ارتکاب اعمال ناقض حقوق دارندگان اسرار تجاری، مراجع قضایی با جرایمی رو به رو می گردند که مراجعه به قوانین و مقررات خاص با قلمرو اندک و مملو از ابهام نمی تواند پاسخگوی نیازهای موجود در مقابله با آنها باشد. بنابراین، بایسته است که تطبیق جرایم کلی و سنتی علیه اموال و مالکیت بر اعمال ارتكابی علیه اسرار تجاری مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته تا از این رهگذر بتوان با بهره گیری از تمامی ابزارهای قانونی موجود نسبت به مقابله هر چه تمام تر با جرایم مذکور مبادرت ورزید. در نوشتار حاضر در پی پاسخ بدین پرسش ها هستیم که: جرایم علیه اسرار تجاری در حقوق کیفری اختصاصی از چه جایگاهی برخوردار می باشد؟ آیا قوانین و مقررات خاص موجود در این باره جهت حمایت بایسته از دارندگان اسرار تجاری کفایت می کند؟ در صورت منفی بودن پاسخ، آیا امکان توسعه و به کارگیری قوانین ناظر بر جرایم سنتی علیه اموال و مالکیت در خصوص جرایم علیه اسرار تجاری در حقوق ایران وجود دارد؟^۱

گفتار اول: جایگاه جرایم علیه اسرار تجاری در حقوق کیفری اختصاصی

از دیرباز تا کنون شناخت جزئی و موشکافانه عناصر تشکیل دهنده جرایم در قلمرو حقوق جزای اختصاصی مستلزم طبقه بندی آنها در دسته های متجانس می باشد به گونه ای که بدون توجه به ویژگی های کلی هر یک از طبقه بندی های جرایم نمی توان به تحلیل بایسته ای از جرایم زیر مجموعه هر دسته پرداخت. اصل عنوان بندی صحیح به طور گسترده، به عنوان یکی از اصول مهم تشکیل دهنده شالوده حقوق جزا پذیرفته شده است. از اینرو، جرایم باید به گونه ای تقسیم بندی و عنوان گذاری شوند که نشانگر ماهیت نقض قانون مربوطه بوده و میزان مردود بودن عمل را نشان

۱. در خصوص پیشینه پژوهش خاطر نشان می گردد که علیرغم پژوهش های ارزنده صورت گرفته پیرامون موضوع جرایم علیه اسرار تجاری، نتایج ملموس و کاربردی چندانی که بتواند راهگشای نظام قضایی در مواجهه با جرایم مورد اشاره باشد، حاصل نگردیده و در غالب موارد به صورت نظری و با تمرکز بیشتر بر حقوق خارجی و به ویژه حقوق انگلستان و آمریکا به بیان موضوع پرداخته شده است. برای نمونه رک: السان، مصطفی، «جرایم علیه اسرار تجاری»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، صص ۲۳-۱. جهت رویکرد مشابه رک: نجفی توانا، علی، امینی، محمد، «حمایت کیفری از اسرار تجاری در حقوق ایران و قوانین فدرال آمریکا»، حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۸۱-۱۵۳. برخی دیگر نیز در قالب حمایت عام (مدنی و کیفری) از اسرار تجاری به موضوع پرداخته و با نگاهی گذرا به جرایم علیه اسرار تجاری از موضوع گذشته اند. علاوه بر اینکه قسمت قابل توجهی از پژوهش به مباحث مربوط به کیفر شناسی اختصاص یافته است که بیشتر واجد جنبه های نظری بوده و برون داد کاربردی چندانی برای آن نمی توان یافت. برای نمونه رک: قبولی دارافشان، محمد مهدی، دانش ناری، حمید رضا، ساعتچی، علی، «مطالعه تطبیقی حمایت مدنی و کیفری از حقوق اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران و آمریکا»، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی سال نوزدهم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۳۳-۱۰۴.



دهند (کلارکسون، ۱۳۹۰: ۱۵). با این وجود، دسته‌بندی برخی جرایم نوین به سادگی جرایم سنتی نبوده و همواره با تردید و اختلاف نظر صاحب نظران همراه می‌باشد. «جرایم علیه اسرار تجاری»^۱ نیز به‌عنوان مصداقی نوین از جرایم از این قاعده برکنار نبوده و تردیدهای قابل توجهی در رابطه با جایگاه آنها در میان دسته‌بندی جرایم به چشم می‌خورد. پر واضح است که تحلیل صحیح جایگاه این جرایم می‌تواند در بررسی جزییات ناظر به رفتار مجرمانه پیرامون اسرار تجاری تاثیر گذار بوده و منتج به دستاوردهای کاربردی و واقع بینانه تری گردد.

دیدگاه‌های موجود پیرامون جایگاه جرایم علیه اسرار تجاری باوجود باور کلی به تعلق این جرایم به دسته جرایم علیه اموال و مالکیت، در بر دارنده تردیدهایی در خصوص برخی مصادیق آن می‌باشد. تردیدهای مورد اشاره را می‌توان در دو مصداق «جرایم علیه حقوق مالکیت صنعتی»^۲ و «جاسوسی اقتصادی» مورد تحلیل قرار داد.

۱. جرایم علیه مالکیت صنعتی

حقوق مالکیت صنعتی به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق مالکیت فکری عبارت از مجموعه قواعد و مقرراتی است که به تضمین حقوق مادی و معنوی ناشی از اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم جمعی و نام‌های تجاری و سایر ایده‌های نوآورانه می‌پردازد.^۳ آنچه از مقررات حمایتی مربوط به مالکیت‌های صنعتی بر می‌آید عبارت از آن است که حمایت قانونی از بسیاری از مصادیق آن مستلزم افشاء و عرضه عمومی است و پس از احراز این شرط می‌توان در مورد سایر شرایط قانونی از جمله اصیل و بدیع بودن آنها به ارزیابی موردی پرداخت. قانون‌گذاران در بسیاری از نظام‌های حقوقی علاوه بر تمهید ضمانت اجراهای مدنی، به منظور بازدارندگی هرچه بیشتر متخلفان مبادرت به وضع ضمانت اجراهای کیفری از طریق جرم انگاری بسیاری از اعمال ناقض این حقوق می‌نمایند. در حقوق ایران نیز رویکرد مورد اشاره توجه قانونگذار قرار داشته و می‌توان با رجوع به قوانین و مقررات مرتبط با حقوق مالکیت فکری به روشنی بدان پی برد. برای نمونه می‌توان از ماده ۶۱ «قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری» مصوب ۱۳۸۶/۰۸/۰۷ یاد نمود که ضمن جرم انگاری نقض حقوق دارندگان قانونی این حقوق به تعیین کیفر مرتکبین پرداخته است.

1. Offences against Trade Secrets

2. Offences against Industrial Property Rights

۳. تعریف مورد اشاره را می‌توان از مصادیق مندرج در قوانین و مقررات مربوطه و از جمله «قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری» مصوب ۱۳۸۶/۰۸/۰۷ استنباط نمود.

در توصیف جرایم علیه اسرار تجاری، برخی نویسندگان را عقیده بر آن است که جرایم مورد اشاره یکی از مصادیق مهم جرایم علیه حقوق مالکیت صنعتی است که در اسناد بین‌المللی گوناگون از جمله موافقت‌نامه تریپس و قوانین داخلی کشورها مورد توجه قرار گرفته‌اند. (نجفی توانا و امینی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). در پاسخ به دیدگاه مورد اشاره می‌توان عنوان داشت که جرایم علیه اسرار تجاری را بنا به دلایل ذیل‌الذکر نمی‌توان در زمره جرایم علیه حقوق مالکیت صنعتی قرار داد. نخست آنکه، شرط حمایت از بسیاری از مصادیق این حقوق در قانون عبارت از عرضه و افشای آنها بوده و در غیر این صورت حمایت‌های قانونی تحت‌عنوان حقوق مالکیت صنعتی منتفی به نظر می‌رسد. (جعفرزاده و محمودی، ۱۳۸۴: ۱۱۴). این در حالی است که حسب تعریف بیان شده در ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی اسرار تجاری نباید در دسترس عموم قرار داشته و به تعبیر دیگر، به‌صورت محرمانه نگهداری شده باشد در غیر این صورت، دیگر نمی‌توان مصادیق ذکر شده در این ماده را عبارت از اسرار تجاری دانست. این در حالی است که حسب مقررات، حمایت از اختراعات مستلزم افشای آنها از طریق اظهارنامه ثبت اختراع بوده و بدون انجام فرایند افشاء و ثبت اختراع حمایت قانونی از اختراع اعم از مدنی و کیفری ممکن نخواهد بود. از این رو، اسرار تجاری و اختراعات جهت حمایت قانونی واجد دو شرط متضاد بوده و تلقی نمودن اسرار تجاری به‌عنوان مصادیقی از مالکیت‌های فکری از این حیث پذیرفتنی نمی‌نماید. دوم آنکه موضوع اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران هیچگاه در قوانین مربوط به مالکیت‌های صنعتی مورد توجه نبوده بلکه در قوانین جداگانه‌ای همچون «قانون تجارت الکترونیکی» مصوب ۱۳۸۲ و «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۴ مورد توجه قرار داشته‌اند که این امر می‌تواند نشان دهنده دیدگاه قانون‌گذار نسبت به جایگاه این جرایم باشد. توضیح آنکه، ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ هیچگاه در مقام جرم انگاری اقدامات مستلزم نقض اسرار تجاری نبوده بلکه، تنها نقض حقوق مندرج در مواد ۱۵، ۲۸، ۴۰ و ۴۷ این قانون که به ترتیب به حمایت کیفری از دارندگان حقوق ناظر بر اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم تجاری و نام تجاری اختصاص یافته است را مورد جرم انگاری و تعیین کیفر قرار داده است. از اینرو، می‌توان گفت که قانون مورد اشاره هیچگاه در پی حمایت از اسرار تجاری اعم از حقوقی و کیفری نبوده است که این امر می‌تواند گواهی بر عدم تعلق جرایم اسرار تجاری به جرایم علیه مالکیت صنعتی باشد. سوم آنکه اسرار تجاری همواره به عنوان مکملی جهت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی به حساب می‌آیند بدین توضیح که اصولاً هر ابتکاری که از قلمرو حمایتی هریک از نظام‌های حقوق فکری رانده شده باشد، مشروط بر آنکه دلیل خروج، ملاحظات مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد، می‌تواند در زمره حقوق اسرار تجاری قرار گیرد. (رهبری، همان: ۱۱۵). مبنای چنین رویکردی را باید در



گسترده‌گی مصادیق اسرار تجاری جستجو نمود. توضیح آنکه، با توجه به تنوع و گستردگی مصادیق اسرار تجاری و رویکرد غیر حصری قانون‌گذاران نسبت به آنها، هرگاه هر یک از ابتکارات و آفریده‌های فکری به دلیل فقدان شرایط قانونی حمایتی از نقطه نظر قوانین مربوط به مالکیت فکری غیر قابل حمایت دانسته شوند، این امکان را می‌یابند که در صورت داشتن شرایط حمایتی مندرج در قانون تجارت الکترونیکی به‌عنوان اسرار تجاری تلقی شده و در کنف حمایت‌های قانونی مربوط به اسرار تجاری قرار گیرند. برای نمونه، به موجب بند ب ماده ۴ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، طرح‌ها و قواعد یا روش‌های انجام کار تجاری از شمول مقررات حمایتی مربوط به اختراعات خارج گردیده‌اند، لیکن، به موجب ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی به صراحت به‌عنوان مصادیقی از اسرار تجاری قلمداد شده و تحت حمایت کیفری قانونی در آمده‌اند.

نکته شایان ذکر دیگر در رابطه با تعیین جایگاه جرایم علیه اسرار تجاری عبارت از بررسی ارتباط جرایم علیه مالکیت صنعتی و جرایم علیه اموال و مالکیت می باشد. پرسش قابل طرح در این باره عبارت از آن است که آیا می‌توان جرایم علیه مالکیت صنعتی را به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از جرایم علیه اموال و مالکیت قلمداد نمود؟ پاسخ اولیه به این پرسش می‌تواند در این رابطه مثبت باشد. توضیح آنکه با توجه به ارزش مالی داشتن مصادیق موضوع مالکیت‌های صنعتی همچون حق اختراع و علائم تجاری و طرح‌های صنعتی می‌توان تعرض به حقوق دارندگان قانونی آنها را به نوعی ارتکاب جرم علیه اموال و مالکیت دانسته و حمایت کیفری موجود در رابطه با حقوق مذکور را اقدامی همچون جرم انگاری سایر جرایم علیه اموال و مالکیت مانند سرقت و خیانت در امانت به‌شمار آورد. با این وجود، به نظر می‌رسد تحلیل فوق با رویکرد سنتی قانون‌گذار کشورمان در رابطه با موضوع جرایم علیه اموال و مالکیت در تضاد می‌باشد. توجه به عنصر قانونی جرایم علیه اموال و مالکیت نشان می‌دهد که از منظر قانون‌گذار آنچه به‌عنوان موضوع جرم در نظر گرفته شده است تنها اعیان اموال می‌باشد که می‌تواند در رابطه با برخی جرایم مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت شامل تمامی اموال اعم از منقول و غیر منقول گردیده و در برخی دیگر مانند سرقت تنها محدود به اموال منقول گردد. برای نمونه، در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ موضوع جرم عبارت از تحصیل وجوه، اموال، اسناد، حوالجات، قبوض، مفاصا حساب و امثال آنها در جهت بردن مال دیگری دانسته شده و در آن، سخنی از حقوق مالی به میان نیامده است. رویکرد مشابهی نیز در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در رابطه با خیانت در امانت اتخاذ گردیده و موضوع جرم عبارت از اموال منقول یا

غیر منقول و یا نوشته‌هایی همچون سفته و چک دانسته شده و سخنی از حقوق مالی به‌عنوان موضوع جرم به میان نیامده است.

واقعیت آن است که در جرایم علیه مالکیت صنعتی و نیز جرایم علیه اسرار تجاری آنچه تحت حمایت قانونی قرار می‌گیرد عبارت از حقوق مالی اشخاص نسبت به اختراعات و اسرار تجاری و غیره بوده و حمایت از اعیان اموال مد نظر قانون‌گذار نمی‌باشد. با این وجود، به نظر می‌رسد با توجه به پیدایش حقوق مالی متعدد در نظام‌های حقوقی کنونی و افزایش روزافزون مصادیق آنها باید از رویکرد سنتی موجود در قبال موضوع جرایم علیه اموال و مالکیت عبور نموده و موضوع این دسته از جرایم را علاوه بر اعیان به حقوق مالی اشخاص نیز تسری داد. از همین رو، به نظر نگارنده باوجود اینکه جرایم علیه اسرار تجاری را به شرحی که گذشت نمی‌توان به‌عنوان مصادیقی از جرایم علیه مالکیت صنعتی دانست در عین حال، هر دو گروه از جرایم را باید گونه‌ای نوین از جرایم علیه اموال و مالکیت به‌شمار آورد. بنابراین، باوجود استقلال جرایم علیه اسرار تجاری از جرایم علیه مالکیت صنعتی باید هر دو گروه از جرایم فوق را به‌عنوان مصادیقی نوین از جرایم علیه اموال و مالکیت دانست.

۲. جاسوسی اقتصادی

جاسوسی به‌عنوان جرمی حساس در تمامی نظام‌های حقوقی شناخته می‌شود. جاسوسی در تعریفی مشهور، عبارت از «گردآوری پنهانی و غیر قانونی اطلاعات حساس مرتبط با امور سیاسی، نظامی و اقتصادی یک کشور» معرفی شده است (Cool, 2000: 8). جرم جاسوسی از دیرباز به‌عنوان مصداق بارزی از جرایم علیه امنیت ملی شناخته شده و تابع اصول و قواعد حاکم بر این جرایم می‌باشد. با این وجود، در برخی آثار حقوقی مربوط به جرایم علیه اسرار اقتصادی دولتها و سایر اشخاص حقوقی عمومی، سخن از نقض اسرار تجاری به میان آمده و ارتکاب جاسوسی اقتصادی را در زمره جرایم علیه اسرار تجاری قرار می‌دهند.

در این دیدگاه، تصاحب اسرار تجاری چنانچه به قصد منتفع ساختن دولت، سازمان یا نمایندگی خارجی باشد، مشمول عنوان جرم جاسوسی اقتصادی خواهد بود. (السان، ۱۳۸۷: ۱۴). در این دیدگاه تفاوتی نمی‌کند که اسرار تجاری کسب شده متعلق به اشخاص خصوصی بوده یا مربوط به دولت و سایر اشخاص حقوقی عمومی باشد. بنابراین، در هر حال، جمع‌آوری و انتقال اسرار تجاری به قصد منتفع ساختن دولت خارجی جاسوسی اقتصادی به‌شمار آمده و در زمره جرایم علیه اسرار تجاری قرار می‌گیرد. دیدگاه مورد اشاره که با استناد به حقوق ایالات متحده آمریکا و به

ویژه «قانون جاسوسی اقتصادی» مصوب ۱۳۹۶ ابراز گردیده، نمی‌تواند در حقوق ایران مورد پذیرش واقع گردد. توضیح آنکه، در حقوق ایران آنچه تحت شمول عنوان جاسوسی قرار می‌گیرد، عبارت از اطلاعات حساس مربوط به امور سیاسی، نظامی و اقتصادی دستگاه‌های حاکمیتی است و هیچگاه نمی‌توان دستیابی به اطلاعات اشخاص خصوصی را تحت عنوان جاسوسی قلمداد نمود. بررسی مستندات قانونی موجود در حقوق ایران بر این امر صحت می‌گذارد. برای نمونه، ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هرکس نقشه یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالمی یا عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند، قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می‌شود». همانگونه که از این مقرر بر می‌آید جرم جاسوسی را تنها می‌توان در رابطه با اسناد و اطلاعات مربوط به حاکمیت به رسمیت شناخته و دستیابی به اطلاعات و اسرار متعلق به اشخاص خصوصی را باید از شمول این عنوان خارج دانست. از سوی دیگر، از آنجا که اسرار اقتصادی متعلق به حاکمیت برآمده از راهبردهای کلان سیاسی آنها محسوب می‌گردد، دستیابی غیر مجاز به آنها می‌تواند منجر به محکومیت شخص مرتکب به جرم جاسوسی گردد.^۲ برای نمونه، ماده ۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مقرر می‌دارد: «افراد زیر جاسوس محسوب و به مجازاتهای ذیل محکوم می‌شوند: ب- هر نظامی که اسرار نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و یا صنعتی مربوط به نیروهای مسلح را به دشمنان داخلی یا خارجی یا بیگانگان یا منابع آنان تسلیم و یا آنان را از مفاد آن آگاه سازد به مجازات محارب محکوم خواهد شد». مستند مورد اشاره به صراحت بر این امر دلالت می‌کند که دستیابی و افشای اطلاعات اقتصادی مربوط به نهادهای حاکمیتی و نه اشخاص خصوصی، جرمی علیه امنیت ملی بوده و قواعد سخت‌گیرانه خاص آن جرایم باید در خصوص مرتکب اعمال گردد. بنابراین، دستیابی به اطلاعات اقتصادی حاکمیتها که در حقوق نوین از آن به «جاسوسی صنعتی و تجاری» یاد می‌شود را باید مصداقی از جرایم علیه امنیت ملی دانسته و از شمول جرایم علیه اسرار تجاری که موضوع آن عبارت از اسرار شغلی و حرفه ای اشخاص خصوصی است، خارج دانست (عالی پور، ۱۳۹۰: ۱۸۹).

از سوی دیگر، جرایم خاص علیه اسرار تجاری در حقوق ایران همواره در قوانین و مقررات مربوط به حقوق تجارت همچون «قانون تجارت الکترونیکی» و «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» مورد نظر قانون‌گذار قرار داشته اند و این امر به روشنی بر جدایی جرایم علیه اسرار

1. Economic Espionage Act, 1996.

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۸۸۲۷ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۹ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

تجاری از جرایم امنیتی و به طور اخص، جرم جاسوسی اقتصادی گواهی می‌دهد. بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به مبنای حمایت از اسرار تجاری که همانا ضرورت احترام به مالکیت اشخاص بر آنها است، باید جرایم ارتكابی علیه اسرار اقتصادی حاکمیتی را از شمول جرایم علیه اسرار تجاری خارج دانسته و تنها تعرض به اسرار تجاری اشخاص خصوصی اعم از حقیقی و حقوقی را در زمره این دسته از جرایم که خود متعلق به جرایم علیه اموال و مالکیت می‌باشند، قرار داد (Dean, 2012: 23).

در خصوص اسرار تجاری اشخاص حقوقی عمومی غیر دولتی موضوع قدری مبهم به نظر می‌رسد. ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ در تعریف این‌گونه اشخاص بیان می‌دارد: «مؤسسه یا نهاد عمومی غیر دولتی واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیر دولتی تأمین گردد و عهده دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد». ابهام از آنجا ناشی می‌شود که این‌گونه اشخاص بیش از نیمی از بودجه خود را باید از منابع غیر دولتی تأمین نموده و از منظر قانونی مستقل از دولت محسوب می‌گردند که این امر موجب جدایی آنها از شمول دستگاه‌های دولتی می‌گردد. از سوی دیگر، ایجاد این‌گونه اشخاص تنها به حکم قانون و نهاد قانونگذاری کشور (مجلس شورای اسلامی) مجاز می‌باشد که این مهم ارتباط آنها با حاکمیت سیاسی کشور را به وضوح هویدا می‌نماید. علاوه بر این، این‌گونه اشخاص به انجام فعالیت خصوصی نپرداخته و مأمور به انجام خدمات عمومی می‌باشند که ایجاد هر گونه اختلال در آن می‌تواند به عنوان تهدیدی علیه حاکمیت سیاسی کشور تلقی گردد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه بخشی از بودجه این‌گونه اشخاص از منابع بودجه عمومی کشور تأمین می‌گردد، به موجب اصل ۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دیوان محاسبات کشور به عنوان نهادی حاکمیتی مکلف به نظارت بر آنها می‌باشد که این امر می‌تواند حاکی از اهمیت حاکمیتی آنها باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد اشخاص حقوقی عمومی غیر دولتی تمایل بیشتری به حاکمیت داشته و نمی‌توان مقررات ناظر بر اشخاص حقوقی خصوصی را بر ایشان اعمال نمود. از اینرو، به نظر نگارنده با توجه به عدم تصریح قوانین مربوط به اسرار تجاری به شمول این‌گونه اشخاص، تحقق بزه جاسوسی در رابطه با نقض اسرار اقتصادی و تجاری آنها از ارجحیت برخوردار می‌باشد.

گفتار دوم: مقررات خاص حاکم بر جرایم علیه اسرار تجاری

چنانکه که پیش از این گذشت، جرایم علیه اسرار تجاری به دلیل برخورداری از اوصاف نوین و ناشناخته بودن در حقوق ایران از مجرای تصویب قوانین خاص تجاری وارد نظام حقوقی ایران



گردیده‌اند. از این رو، با پیروی از چهارچوب خاص و محدود این قوانین، با نگاهی محدود به این جرایم پرداخته شده و تنها قلمرو کوچکی از رفتارهای مجرمانه علیه اسرار تجاری مورد توجه خاص قانون‌گذار قرار گرفته‌اند. خاص بودن مقررات مورد اشاره ایجاب می‌نماید که در بررسی جرایم علیه اسرار تجاری ابتدا به تحلیل این مقررات پرداخته و اعمال ارتكابی را در وهله نخست با آنها تطبیق دهیم. بدیهی است که هرگاه اعمال ارتكابی با هر یک از مقررات خاص تطبیق نماید، موضوع خاتمه یافته و با احراز قانونی ارکان عمل مجرمانه، نوبت به تطبیق این اعمال با جرایم کلی و سنتی علیه اموال و مالکیت نمی‌رسد. اهم مقررات خاص ناظر بر این جرایم که در «قانون تجارت الکترونیکی» مصوب ۱۳۸۲ و «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۴ خلاصه گردیده را در ادامه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. قانون تجارت الکترونیکی

رشد و توسعه برق آسای مبادلات تجاری در عرصه الکترونیکی در چند دهه اخیر و افزایش روز افزون ارزش اطلاعات و اسرار تجاری در قوام و بقای فعالیت‌های تجاری از یکسو و فراوانی بیش از پیش ابزارهایی دستیابی به این اسرار در فضای الکترونیکی کسب و کار و امکان انتقال سریع و آسان آنها به اشخاص دیگر، موجب گردید که قانون‌گذاران ملی در صدد حمایت از دارندگان این اسرار از طریق جرم‌انگاری اقدامات مبتنی بر تعرض به آنها برآیند. قانون‌گذار ایران نیز در این راستا در قالب تصویب «قانون تجارت الکترونیکی» در سال ۱۳۸۲ در مواد معدودی ضمن تعریف اسرار تجاری الکترونیکی در صدد حمایت کیفری از حقوق دارندگان این اسرار بر آمد.

ماده ۶۵ قانون مزبور در بیان تعریف اسرار تجاری الکترونیکی مقرر می‌دارد: «اسرار تجاری الکترونیکی داده پیمایی است که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم افزارها و برنامه‌ها، ابزار و روش‌ها، تکنیک‌ها و فرایندها، تألیفات منتشر نشده، روش‌های انجام تجارت و داد و ستد، فنون، نقشه‌ها و فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرح‌های تجاری و امثال اینهاست که به طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاش‌های معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است». به منظور حمایت از دارندگان اسرار تجاری الکترونیکی به موجب ماده ۶۴ قانون مذکور، تحصیل یا افشای اسرار تجاری الکترونیکی، جرم‌انگاری گردیده و پس از آن مورد کیفر انگاری قرار گرفت. ماده ۶۴ این قانون مقرر می‌دارد: «به منظور حمایت از رقابت‌های مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیر قانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاهها و مؤسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی، جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید». در همین راستا،

ماده ۷۵ قانون نیز بدین شرح نسبت به تعیین کیفر مرنکبین اقدام نموده و مقرر می‌دارد: «متخلفین از ماده ۶۴ این قانون و هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی به منظور رقابت، منفعت و یا ورود خسارت به بنگاه‌های تجاری، صنعتی، اقتصادی و خدماتی با نقض حقوق قراردادهای استخدام مبنی بر عدم افشای اسرار شغلی و یا دستیابی غیر مجاز، اسرار تجاری آنان را برای خود تحصیل نموده و یا برای اشخاص ثالث افشاء نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و نیم و جزای نقدی معادل ۵۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد». در تحلیل مواد مورد اشاره می‌توان به شرح ذیل نکاتی را عنوان نمود.

نخست آنکه، حمایت از اسرار تجاری در این مقررات محدود به اسراری گردیده است که واجد قالب الکترونیکی باشند. بنابراین، اسرار تجاری غیر الکترونیکی از شمول این مقررات خارج بوده و با لحاظ اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری نمی‌توان در این خصوص معتقد به حمایت کیفری از آنها بود. در تعریف اسرار تجاری الکترونیکی ماده ۶۵ این قانون مقرر می‌دارد: «اسرار تجاری الکترونیکی، داده پیامی است که شامل اطلاعات، فرمول، الگوها، نرم افزارها و برنامه‌ها، ابزار و روش‌ها، تکنیک‌ها و فرایندها، تألیفات منتشر نشده، روش انجام تجارت و داد و ستد، فنون، نقشه‌ها و فراگردها^۱، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرح‌های تجاری و امثال اینهاست که به طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاش‌های معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است». با توجه به این ماده مشخص می‌گردد که موارد مقرر در آن به نحو تمثیلی بوده و هر گونه داده و اطلاعاتی را که بتوان بدان اسرار تجاری اطلاق نمود، در بر می‌گیرد. بیان تمثیلی قانون‌گذار در این ماده قابل دفاع به نظر می‌رسد زیرا سرعت تحولات و خلق دستاوردهای نوین پدیده‌های الکترونیکی به حدی رو به فزونی است که محدود سازی مصادیق اسرار تجاری الکترونیکی موجب واپس ماندگی قانون در مواجهه با مصادیق نوین شده و حمایت قانونی از اسرار تجاری را با محدودیت رو به رو می‌سازد. افزون بر این، بیان تمثیلی مصادیق اسرار تجاری الکترونیکی در قانون با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نیز منافاتی ندارد.

۱. فراگردها (Compilations) به معنای نتیجه حاصل از گردآوری اطلاعات در زمینه‌های مختلف می‌باشند که با احراز شرایطی می‌توانند به‌عنوان یکی از مصادیق اسرار تجاری قلمداد گردند. از جمله شرایط مذکور می‌توان به صرف هزینه و وقت قابل توجه جهت گردآوری اطلاعات و نیز بهره برداری محرمانه و انحصاری دارنده فرارگرد از آنها اشاره نمود. شایان ذکر است که برخی مصادیق تصریح شده در قانون تجارت الکترونیکی همچون «فهرست مشتریان» را باید به عنوان مصادیقی از فراگردها محسوب نمود زیرا تمامی معیارهای فوق‌الذکر در رابطه با آن نیز موجود بوده و در نتیجه اطلاق فرارگرد به فهرست مشتریان خالی از ایراد به نظر می‌رسد. (Janger, 2013:1801).

توضیح آنکه، قانون گذار ضمن برشمردن مصادیق تمثیلی اسرار تجاری الکترونیکی، معیارهای سه‌گانه‌ای را به عنوان ضابطه تشخیص مصادیق بیان نموده است که احراز هر یک از آنها با معیارهای عینی و محسوس ممکن به نظر می‌رسد. علاوه بر این، تشخیص مصادیق و تطبیق آنها بر عناوین مجرمانه در حقوق کیفری بر عهده عرف می‌باشد که در موضوع مورد بحث نیز با مراجعه به عرف خاص و متخصصین عرصه فناوری‌های الکترونیکی می‌توان مصادیق نوین و یا از قلم افتاده در این ماده را با معیارهای سه‌گانه تشخیص اسرار تجاری الکترونیکی تطبیق داده و در صورت تطابق مصادیق با معیارهای مذکور در این ماده حمایت کیفری قانونی را از دارندگان آن مصادیق نیز به عمل آورد. از سوی دیگر، اطلاعات مذکور باید واجد ارزش اقتصادی (مالیت) باشند که بی‌گمان احراز این شرط در صلاحیت عرف قرار دارد زیرا احراز مالیت و ارزش اقتصادی هر چیزی با عرف بوده و وجود ارزش نسبی برای آن کفایت می‌کند. (شهیدی، ۱۳۹۰: ۲۸۵). علاوه بر این، اسرار تجاری باید از دسترس عموم دور نگاه داشته شده و تدابیر معقول و متعارفی در جهت حفظ محرمانگی آنها صورت پذیرفته باشد. احراز متعارف بودن تدابیر به کار رفته با دادگاه است. از همین رو، دادگاه نمی‌تواند بدون احراز شرایط پیش گفته حکم به محکومیت تحصیل کننده اسرار تجاری الکترونیکی صادر نموده و فقدان هر یک از شرایط موجب رفع اتهام از متهم خواهد گردید. برای نمونه می‌توان به دادنامه شماره ۲۱۲۰۲۲۳۹۰۰۲۲۳۹۰۲۲۳۹۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۴ صادره از شعبه ۱۰۴۳ دادگاه عمومی جزایی تهران اشاره نمود که با توجه به فقدان شرایط مذکور، حکم بر بی‌گناهی و رفع اتهام از متهم صادره نموده است.^۱ با این حال، نگارنده معتقد است با توجه به تخصصی بودن بسیاری از این امور، دادگاه باید با ارجاع موضوع به کارشناس ذیصلاح به احراز

۱. در دادنامه مورد اشاره می‌خوانیم: «در خصوص اتهامات خانم م. الف. فرزند ع. مبنی بر تحصیل و استفاده غیرمجاز از اسرار تجاری شرکت گسترش خدمات تجارت الکترونیک ایرانیان؛ دادگاه نظر به جامع محتویات پرونده و این‌که حسب توضیحات وکلای محترم شاکی، سر تجاری آن‌ها فهرست مشتریان و امور مالی شرکت بوده که اولاً هیچ‌یک از آن‌ها خصوصاً فهرست مشتریان مستقلاً دارای ارزش اقتصادی نبوده. ثانیاً: در دسترس عموم هم نبوده و همه افراد جامعه می‌توانسته‌اند با مراجعه به منابع عمومی به لیست دسترسی پیدا کنند. ثالثاً: به نظر می‌رسد اقدامات معقولانه در جهت حفظ و حراست از آن‌ها به عمل نیامده است. رابعاً: آشنایی متهم با مشتریان سابق شرکت شاکی و حتی در اختیار داشتن شماره‌های تماس به معنای نقض حقوق سر تجاری شاکی محسوب نشده بلکه نوعی رقابت صنفی است که این امر از راه‌های مختلف برای متهمه میسر است. علی‌هذا نظر به مدافعات مؤثر متهم چنین استنباط می‌نماید که مشارالیه‌ها فاقد هرگونه اندیشه مجرمانه بوده و کالاهای توقیف با علامت تجاری شاکی را از شخص دیگری خریداری نموده است، علی‌هذا نظر به مراتب بالا به لحاظ عدم احراز وقوع بزه‌های مذکور و با رعایت قاعده اصالت البرائت و مستنداً به ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری با رد کیفرخواست رأی بر برائت متهمه صادر و اعلام می‌نماید.»

شرائط مذكور اقدام نمايد.^١ بديهى است در صورت فقدان هر يك از شروط پيش گفته، تحقق جرم مورد نظر، منتفى به نظر مى رسد. در تأييد ديدگاه فوق، ذكر نمونه اى ديگر از رويه قضايى در اين رابطه خالى از فايده نخواهد بود. بر اين اساس، شعبه ٣٨ دادگاه تجديد نظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ١٧١٥/٢٢٣٨٠٠٩٩٧٠ مورخ ١٣٩١/١٢/٢٠ محكوميت تجديد نظر خواه در دادگاه بدوى را در خصوص اتهام تحصيل غير قانونى (غير مجاز) اسرار تجارى (فايل هاى مربوط به نقشه هاى رايانه اى ساخت دستگاه هاى ويژه ايستگاه مركزى توليد بتن) به دليل نداشتن ارزش اقتصادى داده هاى مورد نظر با توجه به نظريات كارشناسان ذيربط نقض نموده و حكم بر بى گناهى متهم (تجديد نظر خواه) صادر نموده است.^٢

دوم آنكه، دارندگان اسرار تجارى مى توانند اعم از اشخاص حقيقى يا حقوقى باشند. توضيح آنكه، اشاره قانون گذار در ماده ٦٤ قانون به «بنگاهها و مؤسسات» موجب گرديده است كه برخى نويسندگان ضمن انتقاد از قانون گذار، اسرار تجارى متعلق به اشخاص حقوقى را مشمول حمايت كيفرى دانسته و اسرار متعلق به اشخاص حقيقى را از شمول اين حمايت خارج بدانند. (بيگزاده و كوشا و ميرعباسى، ١٣٩٧: ٩٤). نگارنده با برداشت مزبور چندان موافق نيست زيرا گرچه واژه «مؤسسات» در اين ماده ناظر به اشخاص حقوقى است ليكن، استفاده از واژه «بنگاهها» نه تنها

٢. قسمت نخست ماده ١٥٥ قانون آيين دادرسى كيفرى مصوب ١٣٩٢ مقرر مى دارد: «هرگاه بازپرس، راساً يا به تقاضاى يكي از طرفين، انجام كارشناسى را ضرورى بداند، قرار ارجاع امر به كارشناس را صادر مى كند».

٣. در بخشى از اين دادنامه مى خوانيم: «در خصوص تجديد نظر خواهى آقاى م. با وكالت آقاى الف. و الف. نسبت به دادنامه شماره ١٧٤٠/٢٣٠٦٠٠٩٩٧٠ مورخ ٩٠/٦/٨ صادره از شعبه ١٠٨٣ دادگاه عمومى تهران كه متضمن محكوميت تجديد نظر خواه به تحمل شش ماه حبس تعزيرى تعليقى و پرداخت مبلغ پنجاه ميليون ريال جزاى نقدى در حق صندوق دولت از حيث اتهام تحصيل غير مجاز اسرار تجارى (فايل هاى مربوط به نقشه هاى رايانه اى ساخت دستگاه هاى ويژه ايستگاه مركزى توليد بتن) است، با نگرش در مجموعه اوراق و محتويات پرونده قطع نظر از اينكه وفق مقررات ماده ٦٥ قانون تجارت الكترونيك، اسرار تجارى الكترونيكى، هر گونه اطلاعات الكترونيكى و غير الكترونيكى است كه با فناوريهاى جديد توليد دريافت و ارسال مى گردد كه اين اطلاعات به طور مستقل داراى ارزش اقتصادى بوده و در دسترس عمومى قرار نداشته و براى حفظ آنها تلاش معقولانه اى صورت پذيرد در ما نحن فيه، نقشه هاى مكشوفه از كيس كامپيوترى تجديد نظر خواه متعلق به شركت شاكى بدوى (تجديد نظر خوانده) وفق نظريه ابرازى هيأت سه نفره كارشناسان رسمى به تنهائى فاقد ارزش اقتصادى و ارزش فنى اعلام گرديده است و همچنين پاسخ استعلام از مؤسسه فنى و. وابسته به قرارگاه خانم الانبياء به شرح صفحه ٣٦٤ پرونده من حيث المجموع دلالت بر عدم احراز و تحقق بزه از ناحيه تجديد نظر خواه فوق الذكر دارد بنا به مراتب و با اوصاف و كيفيات مرقوم، دادگاه تجديد نظر خواهى عنوان شده را وارد و موجه تشخيص و مستنداً به بند ب ماده ٢٥٧ قانون آيين دادرسى كيفرى دادنامه معترض عنه را نقض و حكم بر براءت تجديد نظر خواه صادر و اعلام مى نمايد». جهت ملاحظه متن كامل جريان پرونده هاى فوق الذكر به سامانه ملي آراى قضايى به نشانى www.raay.ijri.ir مراجعه گردد.



دلالت بر اشخاص حقوقی ندارد بلکه، به نحو التزامی دلالت بر اشخاص حقیقی می‌نماید زیرا بنگاههای تجاری در حقوق تجارت فاقد شخصیت حقوقی بوده و قانون، شخص حقیقی صاحب آن یا جانشین وی را مخاطب حق و تکلیف خود قرار می‌دهد (اسکینی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). بنابراین، استفاده از این واژه به خوبی می‌رساند که اسرار تجاری متعلق به اشخاص حقیقی نیز مشمول حمایت کیفری بوده و با وجود سایر شرایط می‌توانند موضوع اعمال مجرمانه قرار گیرند.

نکته قابل ذکر در این رابطه عبارت از وضعیت تاجری است که در بستر الکترونیکی در قالبی غیر از تشکیل بنگاه فعالیت کرده و اسرار تجاری وی مورد تعرض قرار گرفته باشد. توجه به متن ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیکی به این نتیجه رهنمون می‌گردد که قانونگذار فرض مورد اشاره را از نظر دور داشته و آن را به سکوت برگزار نموده است. چنانکه برخی نویسندگان عنوان داشته‌اند این خلاء را باید به‌عنوان یکی از اشکالات مفادی ماده مرقوم دانسته و در جهت اصلاح آن اقدام نمود (رهبری، همان: ۲۰۲). نگارنده ضمن تأیید کاستی مذکور معتقد است که در وضعیت کنونی با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و لزوم بسنده نمودن به متن قانون باید از توسعه این ماده به اشخاص حقیقی تاجر غیر بنگاهی خودداری نموده و امکان توسعه اعمال جرایم سنتی علیه اموال و مالکیت همچون افشای سر، خیانت در امانت و سرقت را در این فرض بررسی نمود. دلیل این رویکرد آن است که در رابطه با جرایم سنتی علیه اموال و مالکیت با توجه به عدم انحصار موضوع به فضای غیر الکترونیکی می‌توان در فرض سکوت قانون تجارت الکترونیکی از این عناوین استفاده نموده و در صورت احراز شرایط اختصاصی هر یک، جرایم روی داده در بستر الکترونیکی را نیز مشمول آنها دانست، موضوعی که در بخش سوم این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است.

سوم آنکه، اعمال ممنوع شده در این ماده تنها محدود به «تحصیل غیر قانونی و افشای اسرار تجاری» گردیده و استفاده از اسرار به نفع دارنده غیر قانونی را در بر نمی‌گیرد. این در حالی است که به دلیل وجود ارزش مالی اسرار تجاری، بسیار محتمل است که شخصی بدون اینکه خود اسرار تجاری را تحصیل یا افشاء نموده باشد، با علم به غیر قانونی بودن تحصیل یا افشاء، به نفع خود از آنها استفاده نموده و ضمن کسب منفعت به دارنده قانونی زیان وارد نموده باشد. با این وجود، چنانکه در ادامه خواهیم گفت، استفاده غیر مجاز از اسرار تجاری می‌تواند با وجود شرایطی با استناد به جرایم سنتی و شناخته شده علیه اموال و مالکیت جرم تلقی شده و استفاده کننده مورد پیگرد قانونی قرار گیرد.

با این وجود، انتظار می‌رود که قانون‌گذار استفاده غیر قانونی از اسرار تجاری دیگران را نیز همچون تحصیل و افشای آنها مورد توجه قرار داده و اشخاصی را که بهره‌نهایی از اسرار تجاری را به نحو نامشروع حاصل نموده‌اند مشمول ضمانت اجرای کیفری سازد.

۲. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران

اطلاعات و اسرار واجد ارزش تجاری، شالوده بازارهای مالی از جمله بورس اوراق بهادار را تشکیل می‌دهند. از اینرو، کیفیت حفاظت از این اسرار می‌تواند در جلب اعتماد عمومی در استفاده از امکانات این نهادهای مالی تأثیرگذاری شگرفی داشته باشد. (عرفانی، ۱۳۸۶: ۷۷). ضرورت حراست از اطلاعات و اسرار در این بازارهای مالی، قانون‌گذار را بر آن داشته است که با نگاهی خاص و محدود در صدد جرم‌انگاری اعمال ارتكابی علیه تمامیت اسرار برآمده و دارندگان قانونی را در کنف حمایت قانون در آورد. شاید بتوان مهم‌ترین سند قانونی در این زمینه را عبارت از «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۴ دانست. تدقیق در قانون یاد شده نشان می‌دهد که قانون‌گذار اسرار تجاری را معادل «اطلاعات نهانی» دانسته و در صدد حمایت کیفری از صاحبان آن‌ها بر آمده است. از اینرو، ماده ۴۶ قانون مورد اشاره مقرر می‌دارد: «اشخاص زیر به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل شده یا هردو مجازات، محکوم خواهند شد: ۱- هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آنها به هر هنوان نمایندگی داشته باشد، قبل از انتشار عمومی، مورد استفاده قرار دهد و یا موجبات افشاء یا انتشار آنها را در غیر موارد مقرر فراهم نماید. ۲- هر شخصی که با استفاده از اطلاعات نهانی به معاملات اوراق بهادار مبادرت نماید». از توجه به ماده مرقوم، نکاتی را می‌توان بدین شرح استنباط نمود:

نخست آنکه، مرتکبین جرم پیش‌بینی شده در این ماده می‌توانند دو دسته از اشخاص باشند. نخست، اشخاصی که اطلاعات نهانی بر حسب وظیفه شغلی به آنان سپرده شده و یا قانون آنان را دارای این اطلاعات فرض نموده باشد. بنابراین، علاوه بر کارگزاران و معامله‌گران بورس باید سایر اشخاص مرتبط با این اطلاعات را نیز دارای اطلاعات نهانی دانسته و در شمول مرتکبین احتمالی جرم به شمار آورد. از اینرو، تبصره ماده ۴۶ قانون می‌افزاید: «اشخاص زیر به عنوان اشخاص دارای اطلاعات نهانی شناخته می‌شوند: الف: مدیران شرکت شامل اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل، مدیر عامل و معاونان آنان. ب: بازرسان، مشاوران، حسابداران، حسابرسان و وکلای شرکت. ج: سهامدارانی که به تنهایی و یا به همراه افراد تحت تکفل خود، بیش از ده درصد سهام شرکت را در اختیار دارند یا نمایندگان آنان. د: مدیر عامل و اعضای هیأت مدیره و مدیران ذیربط یا نمایندگان شرکتهای مادر (هلدینگ) که مالک حداقل ده درصد سهام یا دارای حداقل یک عضو در هیأت مدیره شرکت سرمایه‌پذیر باشند. ه: سایر اشخاصی که با توجه به وظایف، اختیارات یا موقعیت خود، به اطلاعات نهانی دسترسی دارند». دسته دوم از مرتکبین احتمالی را باید عبارت از اشخاص ثالثی غیر از

دارندگان اطلاعات دانست که با تحصیل این اطلاعات، مبادرت به انجام معامله در بازار اوراق بهادار نمایند. این مهم از بند دوم ماده ۴۶ قابل استنباط است زیرا اگر مقصود قانون‌گذار تنها دارندگان اطلاعات نهانی می بود نیازی به بیان بند دوم نبود، به خصوص اینکه در همان بند نخست، استفاده از اطلاعات مورد جرم انگاری قرار گرفته است. بنابراین جای تردید باقی نمی ماند که مرتکبین جرم در بند دوم عبارت از اشخاص ثالثی هستند که پس از تحصیل اطلاعات، با استفاده از آنها مبادرت به انجام معامله می نمایند.

دوم آنکه، اطلاعات مورد نظر تا زمانی مورد حمایت قانونی قرار دارند که منتشر نشده و در دسترس عموم قرار نگرفته باشند. این امر گرچه از شرایط بدیهی اسرار تجاری محسوب می گردد ولی به صراحت مورد توجه قانون‌گذار قرار داشته است.

سوم اینکه، بر خلاف قانون تجارت الکترونیکی، استفاده از اطلاعات نهانی نیز در این قانون مورد جرم انگاری قرار گرفته و تردیدی در خصوص شمول عنوان مجرمانه بر استفاده‌کنندگان از این اطلاعات وجود ندارد.

چهارم اینکه، قانون‌گذار در این خصوص به تحصیل این اطلاعات اشاره‌ای ننموده است. این اقدام را باید ناشی از آن دانست که تبصره ماده ۴۶ اشخاص تصریح شده را به عنوان دارنده این اطلاعات فرض نموده لذا جرم انگاری تحصیل اطلاعات نهانی در خصوص آنان بی معنا می نماید. با این حال، در خصوص اشخاص ثالث می توانست تحصیل این اطلاعات را نیز جرم انگاری نماید. توجه به بند دوم این ماده نشان می دهد که تنها استفاده از این اطلاعات از سوی اشخاص ثالث جرم بوده و تحصیل اطلاعات از سوی آنان فاقد عنوان مجرمانه می باشد. خلاء قانونی مورد اشاره قابل انتقاد به نظر می رسد زیرا ممکن است اشخاص ثالث بدون اینکه بخواهد خود مبادرت به استفاده از اطلاعات نماید، ضمن تحصیل آنها، اشخاص دیگری را از این اطلاعات آگاه گردانیده و موجبات از میان رفتن حقوق دارنده اطلاعات را فراهم نماید.

گفتار سوم: تطبیق جرایم علیه اسرار تجاری بر جرایم سنتی علیه اموال و مالکیت

در دسته بندی جرایم در حقوق کیفری اختصاصی، حمایت از حقوق مالکانه اشخاص بر اموال به عنوان مبناء در نظر گرفته شده و اقداماتی که این حق را زایل نموده و یا موجبات مزاحمت برای مالک آن را در راستای استیفای حق مذکور فراهم آورند، مورد جرم انگاری قرار می دهند. (میرمحمد صادقی، همان: ۲۰). بنابراین لازمه تحقق این دسته از جرایم در وهله نخست عبارت از اثبات مالیت موضوع جرم می باشد. چنانکه پیش از این عنوان شد، در حقوق سنتی مال به چیزی اطلاق می شود که دارای ارزش نسبی بوده و اشخاص حاضر باشند در قبال به دست آوردن آن، بها

بپردازند. در خصوص مالیت اموال شناخته شده در عرف تردید چندانی وجود ندارد. بحث در خصوص حقوق نوینی مناقشه برانگیز می شود که سابقه تاریخی چندانی در عرف ندارند. اسرار تجاری نیز با توجه به حقوق نوینی که برای دارنده آن ایجاد می نماید، مورد مناقشه حقوقدانان قرار دارد. بنابراین، لازم است پیش از بررسی امکان تطبیق جرایم سنتی علیه اموال و مالکیت بر اقدامات علیه اسرار تجاری، مالیت یا عدم مالیت آن را مورد بررسی قرار داده و سپس شرایط مرتبط دیگر را ارزیابی نماییم.

بررسی موضوع مالیت اسرار تجاری همواره در ذیل مبحث مالیت در آثار مربوط به حقوق مالکیت فکری صورت پذیرفته است. به نظر نگارنده، علیرغم استقلال حقوقی اسرار تجاری از حقوق مالکیت فکری، می توان به دلیل وجود شباهت های بنیادین هر دو حوزه از مباحث مطروحه در مالکیت فکری در خصوص اسرار تجاری نیز بهره برد. در نظر بسیاری از فقهای اسلامی، اطلاعات محرمانه مال محسوب و سرقت آنها مشمول عنوان تصرف در اموال غیر و در نتیجه، مشمول ضمان و مجازات دانسته شده است. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۹۴). از سوی دیگر، ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی با صراحت تمام، اسرار تجاری را دارای ارزش اقتصادی مستقل (مالیت) دانسته است. افزون بر این، در بند نهم اساسنامه شرکت ملی نفت، به صراحت، اسرار تجاری قابل خرید و فروش دانسته شده اند که این امر به خودی خود دلالت کافی بر مالیت آنها می نماید. از این رو، امروزه در مالیت داشتن اسرار تجاری نمی توان تردید نمود. با این وجود، از آنجا که ارتکاب جرایم سنتی علیه اموال و مالکیت عموماً در خصوص اعیان اموال قابل تحقق می باشند، بحث و مناقشه در عین یا دین بودن اسرار تجاری بسیار بوده و پاسخ به آن می تواند در نتیجه گیری موضوع نوشتار حاضر تعیین کننده باشد.

واقعیت آن است که هر چیزی که منفعت نباشد را می توان عین دانست. این معنا از تعریف عقد بیع در ماده ۳۳۸ قانون مدنی قابل استنباط است. ماده مورد اشاره مقرر می دارد: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». در تفسیر «عین» در این ماده بیان شده است که: «واژه عین برای این است که مفهوم بیع از اجاره ممتاز شود و تاریخ فقه نشان می دهد که قید «عین» در تعریف بیع به همین منظور بوده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳). از سوی دیگر، چنانکه گذشت، خرید و فروش (بیع) اسرار تجاری در برخی متون قانونی و نیز عرف تجاری کشورمان مورد پذیرش قرار گرفته است که این امر نمی تواند معنایی جز عین بودن اسرار تجاری داشته باشد. علاوه بر این، در نگرش نوین به اموال، عین منحصر به اموال محسوس و مادی نبوده و می تواند به شرط عدم احراز منفعت بودن، در خصوص اموال غیر مادی نیز مورد پذیرش قرار گیرد. (میرحسینی، ۱۳۸۶: ۳۴). از طرف دیگر، اسرار تجاری می تواند دارای تمامی عناصر مالکیت بر اعیان اعم از تصرفات مالکانه

جامع، انحصاری و دایمی باشد. بنابراین، به نظر نگارنده تردید چندانی در عین بودن اسرار تجاری وجود ندارد. علاوه بر این، چنانکه خواهیم دید، رویه قضایی نیز در برخی موارد با دیدگاهی نوین نسبت به مفهوم عین اموال، ارتکاب جرایم سنتی علیه اموال و مالکیت را در خصوص اسرار تجاری مورد پذیرش قرار داده است.

با پذیرش عینی بودن مالکیت بر اسرار تجاری، امکان تحقق برخی جرایم سنتی علیه اموال و مالکیت در خصوص اسرار تجاری به شرط وجود شرایط اختصاصی هر جرم فراهم می‌گردد. با این وجود، نحوه تحقق هریک از این جرایم نیازمند تحلیل بایسته عناصر هریک به نحو مجزا می‌باشد که در ادامه بدان می‌پردازیم.^۱

۱. افشای اسرار دیگری

با وجود این که بررسی جرم افشای اسرار دیگری به طور معمول ذیل جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص صورت می‌گیرد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۵۰)، نگارنده معتقد است که هرگاه افشای اسرار دارای ارزش اقتصادی، موجب ایراد ضرر به دارنده اسرار یا جلب منفعتی برای شخص افشاء کننده گردد، سخن از تعلق آن جرم به دسته جرایم علیه اموال و مالکیت دور از واقع نخواهد بود. البته این به معنای منتفی بودن جنبه معنوی جرم و لطمات وارد شده به اشخاص از این جهت نیست. دلیل این امر آن است که در برخی موارد، ارتکاب جرم می‌تواند علاوه بر جنبه‌های مادی واجد اثر معنوی نیز بوده و از اینرو، در بسیاری موارد ارتکاب جرم می‌تواند ارزش‌های مادی و معنوی تحت حمایت قانون را به طور همزمان خدشه دار نماید. جرم انگاری افشای اسرار دیگری در فصلی مجزا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ذیل فصل بیستم از کتاب پنجم این قانون، می‌تواند مفید این معنا باشد که بسته به ماهیت اسرار افشاء شده، می‌توان جرم مذکور را در دسته متفاوتی از جرایم قرار داد. بنابراین، با توجه به اینکه اسرار تجاری دارای ارزش اقتصادی و مالی می‌باشند، می‌توان افشای آنها را در دسته جرایم علیه اموال و مالکیت قرار داد. با این وجود، ممکن است که جرم افشای اسرار دیگری را بتوان به عنوان مصداقی از جرایم علیه آسایش عمومی قلمداد نمود زیرا در رابطه با جرم انگاری رفتار مورد بحث آنچه به عنوان علت جرم انگاری می‌تواند مد نظر باشد عبارت از حفظ اسرار اشخاص بوده و چه بسا، افشای غیر قانونی آنها بتواند آسایش و آسودگی خاطر صاحبان اسرار را بر هم زده و در نهایت موجب تضرر جمعی اشخاص گردد. علیرغم قابل دفاع بودن دیدگاه فوق، ملاک

۱. ذکر این نکته لازم است که تطبیق جرایم علیه اسرار تجاری با جرایم علیه اموال و مالکیت در خصوص اسرار تجاری غیر الکترونیکی مطرح می‌گردد و اسرار الکترونیکی به دلیل وجود قانون خاص خود از شمول این بحث خارج می‌باشند.

ایراد خسارت ناشی از افشای اسرار به صاحبان آنها می‌تواند دیدگاه تعلق جرم مورد بحث به جرایم علیه اموال و مالکیت را در صورت ایراد خسارت به صاحب اسرار توجیه نماید. با این حال، به نظر نگارنده بسته به اینکه کدام یک از جنبه‌های پیش گفته در تحلیل این جرم مد نظر باشد می‌توان در خصوص تعیین جایگاه آن در میان دسته بندی جرایم اظهار عقیده نمود. بر این اساس، با توجه به اینکه در اینجا هدف از تحلیل جرم افشای اسرار عبارت از امکان سنجی تطبیق آن بر افشای غیر قانونی اسرار تجاری به عنوان حقی مالی بوده، جرم مذکور با توجه به ایراد خسارت به صاحب اسرار به عنوان جرمی علیه اموال و مالکیت در نظر گرفته شده و این امر به معنای نادرستی سایر دیدگاه‌های موجود پیرامون جایگاه این جرم در میان دسته‌بندی‌های جرایم نمی‌باشد.

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با بیانی کلی مقرر می‌دارد: «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود، محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند»^۱. به نظر می‌رسد با توجه به جرم انگاری افشای اسرار تجاری الکترونیکی در قانون تجارت الکترونیکی، اسراری را باید مشمول این ماده دانست که فاقد وصف الکترونیکی می‌باشند. از اینرو، امکان تداخل عنوانی این جرم با ماده ۷۵ قانون یاد شده به دلیل خاص بودن مقرر اخیر الذکر منتفی به نظر می‌رسد.

با توجه به رویکرد غیر حصری این ماده، تحقق بزه افشای اسرار تجاری قابل بررسی به نظر می‌رسد. مرتکبین جرم یاد شده می‌توانند «کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود، محرم اسرار می‌شوند»، باشند. با این وجود، جهت تحقق این جرم وجود قراردادی پیشین میان صاحب اسرار تجاری و مرتکب ضروری می‌نماید. یکی از مباحث ویژه و مهم در رابطه با حقوق اسرار تجاری را باید عبارت از قراردادهای دربردارنده اسرار تجاری میان اشخاص دانست. از مصادیق مهمترین قراردادهای در این خصوص می‌توان به «قراردادهای استخدامی»^۲، «قرارداد عدم رقابت»^۳ و «قرارداد رازداری»^۴ اشاره نمود. بر اساس قراردادهای یادشده، یک طرف در کنار سایر تعهدات خود، ملزم می‌گردد که اسرار تجاری دارنده را به صورت محرمانه نگاه داشته و در صورت تخلف از این

۲. خاطر نشان می‌گردد که مجازات موضوع ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به موجب ماده ۱۱ «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ و تبصره همان ماده به نصف میزان ذکر شده تقلیل یافته است.

1. Employment Agreement.
2. Non-Competition Agreement.
3. Non-Disclosure Agreement.



تعهد عواقب قانونی آن اعم از حقوقی و کیفری را متقبل گردد. بنابراین، هرگاه ثابت گردد که شخص متعهد بر خلاف قرارداد خود با دارنده اسرار مبادرت به افشای آنها نموده است می‌توان عمل ارتكابی را مشمول ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) دانسته و ضمانت اجرای مقرر را در خصوص وی اعمال نمود. نکته شایان ذکر عبارت از آن است که قانونگذار در این ماده تنها به جرم انگاری افشای اسرار بسنده نموده و تکلیف اعمال ارتكابی همچون سوء استفاده از اسرار و نیز تحصیل اسرار را روشن ننموده است. به نظر می‌رسد سایر رفتارهای فیزیکی مبنی بر سوء استفاده از اسرار و تحصیل غیر قانونی آنها را باید در جرایم دیگری جستجو نمود که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

نکته دیگر آنکه، قانونگذار ضمن موجه دانستن افشای سر به موجب قانون، مصادیق آن را روشن ننموده است. به نظر می‌رسد با توجه به مبانی حقوق اسرار تجاری استناد به عذر «منافع عمومی»^۱ را بتوان به عنوان عذر موجه در این باره به شمار آورده و مرتکب را از مجازات افشای سر معاف دانست. با وجود نبود اتفاق نظر در خصوص مفهوم منافع عمومی می‌توان گفت که منافع عمومی آن چیزی است که نمی‌توان آن را به منافع مجموعه ای از اشخاص خصوصی محدود نمود بلکه، منظور هر چیزی است که مربوط به سلامت، امنیت، و رفاه اجتماعی و اقتصادی همگان باشد (Garten, 2016: 14). بنابراین، هرگاه مرتکب ثابت نماید که افشای اسرار تجاری به منظور استیفای منافع عمومی بوده از شمول این مقرره خارج می‌گردد.

نکته پایانی در این باره عبارت از آن است که با توجه به اینکه افشای اسرار تجاری به منزله تلف آنها می‌باشد، ممکن است عمل ارتكابی با برخی جرایم دیگر همچون خیانت در امانت متصف به وصف تعدد معنوی گردیده و در نتیجه بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات اشد بر مرتکب آن اعمال گردد.

۲. خیانت در امانت

خیانت در امانت عبارت از استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن اموال یا اسناد به زیان مالکین یا متصرف آنها است، در صورتی که اشیاء مزبور به عنوان اجاره، امانت، رهن، وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و مقرر گردد که اشیاء مزبور مسترد شده یا به مصرف معینی برسد (گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۴۰۵). آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد عبارت از آن است که جرم خیانت در امانت به لحاظ موضوعی از دایره شمول گسترده‌ای برخوردار بوده و در صورت تحقق شرایطی چند می‌توان در رابطه با اموال زیادی حکم به تحقق آن داد. با تفسیری که پیش از این عنوان گردید،

1. Public Interests

عین اموال در برابر منفعت قرار گرفته و با این تفسیر می‌توان با رویکردی جدید به مفهوم اموال نگریست. ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) با بیان تعریفی مشابه تعریف پیش گفته، موضوع جرم را عبارت از اموال منقول یا غیر منقول و نوشته‌ها (اسناد) معرفی نموده و تشخیص مالیت موضوع را به عرف واگذار نموده است زیرا در حقوق کیفری تعیین مصادیق با عرف بوده و دادرسان باید با رجوع به آن، ابهامات مصداقی قانون را برطرف نمایند (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۱۴۰). مراجعه به قوانین و عرف حاکم بر جامعه امروزی نشان می‌دهد که در مالیت اسرار تجاری نمی‌توان تردید نمود. بنابراین، در صورت حصول شرایط دیگر، تحقق خیانت در امانت در خصوص آنها دور از واقعیت نخواهد بود. رویه قضایی نیز هر چند به کندی به این دیدگاه متمایل گردیده، نمونه‌هایی اندک از آراء را می‌توان در آن یافت نمود که بر اساس آنها، اسرار تجاری و اطلاعات فنی مال محسوب شده و حکم به تحقق خیانت در امانت در خصوص آن صادر گردیده است.^۱ بنابراین، دیدگاه برخی نویسندگان را که اسرار راجع به اختراعات را به دلیل عینی نبودن مالیت آن از شمول جرم خیانت در امانت خارج دانسته‌اند، نمی‌توان با وجود قوانین جدید کنونی و عرف امروزی مورد پذیرش قرار داد (میرمحمد صادقی، همان: ۱۵۳). زیرا چنانکه گفته شد، عین آن چیزی است که در مقابل منفعت قرار گرفته و مالیت اسرار تجاری نیز امروزه با هیچ تردیدی رو به رو نمی‌باشد. علاوه بر این، دیدگاه مخالفان عین دانستن اسرار تجاری بر گرفته از حقوق انگلستان بوده و در حقوق ایران چندان قابل دفاع نمی‌باشد. جالب آنکه این دیدگاه در حقوق انگلستان نیز در حال رنگ باختن بوده و گرایش به مال تلقی نمودن اسرار تجاری بیش از پیش قابل ملاحظه است. (Blackman, 2015:75)

بنابراین به نظر می‌رسد هرگاه شخصی به موجب توافق یا قراردادی اسرار تجاری دیگری را در اختیار داشته و بنا باشد که اسرار امانی تنها در امر خاصی مورد استفاده یا نگهداری قرار گیرد و شخص امین بر خلاف توافق از اسرار تجاری سوء استفاده نموده و یا آن را برای دیگران افشاء نماید، تحقق خیانت در امانت دور از ذهن نخواهد بود. با این وجود، ممکن است افشای اسرار مورد امانت با جرم افشای اسرار متصف به وصف تعدد معنوی گردیده و موجب محکومیت مرتکب به مجازات قانونی اشد گردد.^۲

۱. برای نمونه به موجب دادنامه شماره ۲۰۵-۲۹/۰۲/۱۳۷۸ صادره از شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، اطلاعات فنی و اسرار تجاری مال دانسته شده و مرتکب به دلیل استفاده غیر مجاز از اسرار امانی، محکوم به مجازات جرم خیانت در امانت گردیده است (وصالی، ۱۳۸۱: ۲۸).

۲. توضیح آنکه افشای اسرار تجاری به منزله تلف آنها خواهد بود که بدون تردید مشمول عنوان خیانت در امانت می‌گردد.



۳. سرقت اسرار تجاری

چنانکه پیش از این عنوان گردید، هرگاه اسرار تجاری به موجب توافق یا قرارداد قبلی در اختیار دیگری قرار داده شده و نامبرده بر خلاف قرارداد مبادرت به تصاحب و افشای اسرار نماید، تحقق خیانت در امانت با تردید چندانی همراه نمی‌باشد. با این وجود، ممکن است اسرار تجاری بدون توافق قبلی دارنده در اختیار شخص دیگری قرار گرفته باشد. به نظر می‌رسد در چنین وضعیتی می‌توان در صورت احراز شرایط قانونی مربوط به جرم سرقت، حکم به محکومیت متصرف به جرم سرقت داد. ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف سرقت عنوان می‌دارد: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است». از مقرر مذکور چنین بر می‌آید که با وجود سه شرط می‌توان جرم سرقت را فارغ از موضوع آن محقق دانست. شرط نخست عبارت از احراز مالیت موضوع سرقت می‌باشد. چنانکه که گفته شد، در خصوص مالیت اسرار تجاری تردیدی وجود نداشته و در نتیجه شرط مذکور در این باره حاصل است. شرط دوم عبارت از اثبات مال غیر بودن موضوع می‌باشد. با توجه به مالیت داشتن اسرار تجاری و امکان اعمال حق مالکیت بر آنها، لازم است که دارنده اسرار تجاری تعلق آنها را به خود اثبات نموده تا شرط مزبور حاصل گردد. شرط سوم عبارت از عنصر ربودن می‌باشد. در تعریف ربودن با تکیه بر عرف، آن را عبارت از نقل مکان دادن مال به مکان دیگر بدون رضایت صاحب مال می‌دانند. از اینرو ربودن اسرار تجاری می‌تواند به معنای جابجایی اسرار تجاری از محل نگهداری خود به محل دیگر تلقی شود (السان، همان: ۸). بررسی قوانین خاص موجود در این باره نیز مفهوم مورد اشاره را تایید می‌نماید. برای نمونه می‌توان به ماده ۷۴۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) الحاقی ۱۳۸۸ اشاره نمود که با همین مضمون، ربایش داده‌های متعلق به غیر را مورد پذیرش قرار داده است. ماده مرقوم مقرر می‌دارد: «هر کس به طور غیر مجاز داده‌های متعلق به دیگری را بر باید چنانچه عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک میلیون تا بیست میلیون ریال و در غیر اینصورت، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». نکته شایان ذکر در خصوص عنصر ربودن اسرار عبارت از آن است که هرگاه تحصیل اسرار و اطلاعات بدون توافق قبلی با صاحب اسرار یا هر شخص دیگری که متصرف قانونی اسرار بوده انجام گیرد، در هر حال، عمل مزبور را باید عبارت از سرقت اسرار دانسته و از اینرو، تفاوتی نمی‌کند که ربودن اسرار از صاحب آن صورت گرفته و یا ربایش اسرار از تصرف شخص امین انجام گیرد. بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به احراز عمل ربایش اسرار، تردیدی در تحقق جرم سرقت در رابطه با آنها وجود ندارد.

نتیجه گیری

به رسمیت شناخته شدن مالیت اسرار تجاری، قانون گذاران را بر آن داشت که همچون سایر اموال مشروع از حق مالکیت دارندگان آن حمایت کیفری به عمل آورده و احترام به ارزش آن‌ها را تضمین نمایند. قانون گذار ایران با توجه به جدید بودن مباحث مربوط به اسرار تجاری به پیروی از قوانین بین‌المللی همچون قانون نمونه تجارت الکترونیکی آنسیترال (کمسیون تجارت بین‌المللی سازمان ملل متحد) مصوب ۱۹۹۶، حمایت از اسرار تجاری الکترونیکی را در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ با وجود شرایط چند مورد توجه قرار داد. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت اطلاعات نهانی در بازارهای مالی، قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ به حمایت کیفری از این اطلاعات پرداخته و افشاء کنندگان و استفاده کنندگان غیر قانونی از آنها را مجرم دانسته و به وضع مجازات در این رابطه پرداخته است. خاص بودن قلمرو موضوعی این دو قانون موجب می‌گردد که نتوان در حوزه‌هایی خارج از آنها، تعرض به حقوق مالکانه دارنده اسرار تجاری را به استناد این قوانین مورد پیگرد قرار داد که این امر می‌تواند برآمده از محدودیت قلمرو موضوعی قوانین مذکور باشد.

تحلیل کاربردی قوانین کیفری نشان می‌دهد که در حقوق ایران با توجه به احراز قانونی و عرفی مالیت اسرار تجاری، اعمال مقررات مربوط به جرایم علیه اموال و مالکیت همچون سرقت و خیانت در امانت با وجود شرایط اختصاصی هر یک از آنها در رابطه با اسرار تجاری غیر الکترونیکی با مانع قابل توجهی مواجه نمی‌باشد. از اینرو، شایسته است که مقامات قضایی به منظور رفع معضلات ناشی از ابهامات قانونی موجود با نگرشی نوین به جرایم علیه اموال و مالکیت نگریده و در مقام حمایت از حقوق مالکانه دارنده اسرار تجاری برآیند. در پایان، موارد زیر به عنوان خروجی پژوهش پیشنهاد می‌گردد:

۱- کلیه اقدامات علیه اسرار تجاری اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از الکترونیکی و غیر الکترونیکی با عنوان جرایم علیه اسرار تجاری تحت فصل مشخصی از لوایح قانونی پیشنهادی همچون لایحه اصلاح قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به مرجع قانون گذاری تقدیم گردیده و محدودیت موضوعی قوانین موجود مرتفع گردد.

۲- تمامی اقدامات و رفتارهای فیزیکی علیه اسرار تجاری اعم از افشاء، تحصیل و استفاده غیر قانونی از اسرار تجاری متعلق به غیر به وضوح مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و ضمن توجه به مطالعات تطبیقی به عمل آمده از قوانین کشورهای پیشرو در این زمینه، کاستی‌های موجود در قوانین کنونی از این جهت برطرف گردد.

۳- تا پیش از اصلاح قوانین، از ظرفیت‌های قانونی موجود پیرامون جرایم سنتی علیه اموال و مالکیت جهت رفع خلاء و کاستی‌های قوانین خاص بهره‌برداری گردیده و رویه قضایی ضمن تفسیری نوین از این قوانین در جهت حفظ ارزش اسرار تجاری پیش قدم گردد.

منابع

- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۷)، **حقوق جزای عمومی**، جلد نخست، چاپ پنجاه و ششم، نشر میزان.
- استفتایات فقهی و قضایی (۱۳۸۳)، **ماهنامه دادرسی**، سال هشتم، شماره ۴۶، ص ۴۵-۲۷.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۲)، **حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری**، چاپ هفدهم، انتشارات سمت.
- آقایی نیا، حسین (۱۳۹۷)، **جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)**، چاپ نهم، نشر میزان.
- السان، مصطفی (۱۳۸۷)، «جرایم علیه اسرار تجاری»، **فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۳۸، شماره ۴، ص ۲۳-۱.
- بیگزاده، علی، کوشا، جعفر، میر عباسی، باقر (۱۳۹۷)، «کاربست اخلاقی کیفری در ضمانت اجرای نقض اسرار تجاری از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و آمریکا»، **پژوهش‌های اخلاقی**، سال نهم، شماره دوم، ص ۱۱۹-۹۲.
- جعفرزاده، میرقاسم، محمودی، اصغر (۱۳۸۴)، «شرایط ماهوی حمایت از اختراع از نگاه رویه قضایی و اداره ثبت اختراعات»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۲، ص ۱۳۶-۱۱۲.
- رهبری، ابراهیم (۱۳۹۲)، **حقوق اسرار تجاری**، چاپ دوم، انتشارات سمت.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۰)، **حقوق مدنی، تشکیل قراردادها و تعهدات**، چاپ هشتم، انتشارات مجد.
- عالی پور، حسن (۱۳۹۰)، **حقوق کیفری فناوری اطلاعات**، چاپ اول، انتشارات خرسندی.
- عرفانی، محمود (۱۳۸۶)، **حقوق تجارت**، جلد پنجم، چاپ سوم، نشر میزان.
- قبولی دارافشان، محمد مهدی، دانش ناری، حمید رضا، ساعتچی، علی (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی حمایت مدنی و کیفری از حقوق اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران و آمریکا»، **دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی**، سال نوزدهم، شماره ۴، ص ۱۳۳-۱۰۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، **حقوق مدنی، درسهایی از عقود معین**، جلد اول، چاپ دوازدهم، کتابخانه گنج دانش.

- کلارکسون، کریستوفر (۱۳۹۰)، **تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی**، ترجمه: حسین میرمحمد صادقی، چاپ اول، انتشارات جنگل.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۷)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، چاپ هشتم، انتشارات مجد.
- میر حسینی، حسن (۱۳۸۶)، **مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی**، چاپ نخست، نشر میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۷)، **حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اموال و مالکیت**، چاپ پنجاه و چهارم، نشر میزان.
- نجفی توانا، علی، امینی، محمد (۱۳۹۰)، «حمایت کیفری از اسرار تجاری در حقوق ایران و قوانین فدرال آمریکا»، **حقوق اسلامی**، سال هشتم، شماره ۲۹، ص ۱۸۱-۱۵۳.
- وصالی، محمود (۱۳۸۱)، «حمایتهای قانونی از اسرار تجاری»، **مجله نامه اتاق بازرگانی**، شماره ۴۲۱، ص ۳۹-۲۰.
- Bently, Lionel, Brad, Sherman (2011), **Intellectual Property Law**, Oxford University Press, 1th edition
- Blackman, David (2015), **Competitive Intelligence and Global Business**, Greenwood Publication Group, 2th edition
- Cole, David (2000), **Official Secrets Law**, National Magazine, N.271
- Dean, Robert (2012), **The Law of Trade Secrets and Personal Secrets**, Thomson Law Book Co, 2th edition
- Denis, Annita (2019), "Who Will Take Over When You Are Ready to Retire?" **Journal of Accountancy**, Vol. 20
- Fraunmann, Edwin (2009), "Trade Secrets Safeguards", **Security Management**, Vol.43
- Garten, Jeffrey (2016), **The Politics of Fortune: A New Agenda for Business Leaders**, USA, Harvard Business School Press
- Garner, Bryan (2011), **Black Law Dictionary**, Thomson Reuters Business, Fourth Edition
- Janger, Edward (2013), "Generating and Protecting Information Privacy Norm in Bankruptcy Contributors", **William & Marry Law Journal**, Vol.44
- Wilson, Stephan (2004), "Can a Company Still Protect its Trade Secrets?" **New England Law Review**, Vol.38